

جای ادار و کسما

دور - علامین شمائی

مکتوبات و مکاتیب
باید بعنوان ذیل باشد

جمل

بروز چنانچه طبع و توزیع خواهد

کتاب نمره هفت شایعی

کتابخانه

۱۳۳۵

تخصیص اجرت لایح و اعلانات
فصولی با دفتر ادار است

مکاتیب بدون امضاء

و عنوان پذیرفته نشود

در اشراک جلد زنده دریافت نموده

قیمت اشراک

یکوا ۵۰ قران

مارم چهارشنبه ۱۰ بهمن ماه دی ۱۳۳۵

این روزنامه فقط بگامبسان حقوق ایرانیان و نوزادکاران اسلامیان است

بد کار را باید مجازات داد

مانیخو ابریم کتبه مجازات و سایر مجامع تربیت
کار که امروزه در صفحہ ملکیت نمانش میشوند تغییر
کرده یا عملیات آنان را تصدیق کنیم .
بلکه همیشه این نکته را مسلم داشته و داریم که بروز
در ملکیت مولد بهر چه صریح موجود است ،
عقدت نمانش ، باعث ضعف و آسای حکومت ،
سبب عدم اطمینان جانی و مالی کتبه افراد است .
مانیخو ابریم در این صحت صحبت کنیم که در ملکیتی که
ایدا کرد در بدی را جزائی در پی نیست بد کاری
مردوح و سیکو کاری مذموم و بهر کسی در پی نیستند
و مقام حاکم مطلق فعال با برید و کتبه حرکاتش
بایشائی بوده و تصور جزائی را برای خیانت نمی
نمیکند بالطبع جمعی یا برای انتقام شخصی و یا ملاحظه فرماید
نوعی اقدام برود و کشتن اشخاص معلومه خواهد نمود
صرف نظر از این نظریه نموده میگوئیم باید بر
اقدام چنین امری نمود و باب تردد را مفتوح کرد
مورد مجازات شود ولی نمیتوانیم از ابراد یک جمل

خود داری نموده و از بیان یک مطلبی که وجداناً
ذمه دار ذکر آن هستیم صرف نظر نمائیم .
آیا فقط یک عده که قیام برور نموده قصد
با اغتشاش ملکیت و اعمال اغراض شخصی بوده
یا حقیقتاً برای رفع سرفاقتین و جزای وطن فردین
و جریان امور بجماری قانونی یا برای آسایش و
رفاه عموم و استخلاص گریبان ملکیت از چنگال
گرگان آدمی صورت داخل سیکونه عملیات شد
باید بانواع عقوبت اگر قرار گشته و مکافات ببینند
یا اینکه بعلاوه این جمع آن کسایکه نیز از
لد کتاب همچونہ خیانت جنایت بد کاری
بر بادی ملکیت مضایقه نموده حقوق ملکیتی و
دیانتی را صراحتاً بدون پروا و بیم یاد داده هر چه
را که مایل بودند کردند و بیسج متصفی نتوانند منکر
بد کاری های آنها شود باید مجازات برسند
با بطر حسن و در جو شهنین تقصیرت قتل و مظلومین
بعضیت کتبه مجازات که چرا باین ترتیب نیست
آوری که فقط از یاد کار های عهد چنگیزی و نمونه

های دوره بربریت و توخس است و استبداد
 مستبد و حتی سابق هم از ایان نظایران عاجز
 است باید در دست یک اروپائی قانونی مدنی
 آویت و وجدان (استداهل) مقرب
 شوند ایرادی نیکنیم حتی برای قطع زبان کردن
 و همیان مرتجعین غائب که بازم ما آمد و خرافات
 و دیانات خود قرارند میند اینگونه جهل و حیث
 و استداهل قانونی را مصدق میوم و تعارف میکنیم
 اینها و هر که جانی است قائل است بودگی است
 بدکار است، خان است، باید مجازات شود.
 ولی از عموم مردم و از عموم آن کسانیکه با حرات
 فوق التصور که محرک کن حرات فقط توجه دارند
 غیر انگلیس است، مجازات این عده را خوان و
 کذب علیات سبحانه و استداهل رئیس کیللات
 نظیر قانونی او را بازیر پاکد استن جمع قوانین
 مدنی و دینی نفس قانون معرفی میکنند سوال
 میکنیم که آیا مجازات محمد و وین این عده
 است یا هر که بدکار است؟!

جنس اعدام عقید شدن در سیاه چال های
 تملیک زجر و سایر صدها تیراک با آن وضع جرات
 آمد بهر استداهل مجری میشود باید مخصوص کسانی
 باشد که بقصد خائنین وطن قیام کرده برای بدست
 بستن و هتایا قاور بودند سراسر اعلیات مشغول
 شدند یا اینکه بر باد دهندگان حقوق
 ملت هم باید هر رویف این اشخاص مجازات
 را در پل کنند
 نظری در اوضاع پانچ
 سید علی تجارت نداشته و نداریم و طبیعت

شاهپرسی ماییت که ذات اقدس شاهان را مقرب
 شماریم اما گذشته از آن مقام مقدس و صرف نظر
 از چند نفر معین که تا امروز بدستی معرفی شده اند
 مرکز ایران است از گروهی که غیر از برای ایران
 و تحکیم نفوذ و اخبار جعلی ظاهر نمودند امتیازات دادند
 عظمت را بخوابی و چار کردند ملت را بر روزگار تیره
 بهنجی و فلاکت مبتلا کرده و میکنند پیش آنگ
 استیلاهای اجانب بوده و نهند با سارت ابدی
 این ملت اهتمام داشته و دارند خدایه اصلاحات
 عاین صل مساوات. مانع قوی حریت روشن
 حکم مشروطیت و قانون فیه صریح شریعت آفیند
 دولت ظالمانه روس را محکوم باین بر قتل و غارت
 های مجدد و حصر شدند اینک انگلیس را بخون
 مملکت تقویت میکنند و چند نفر از دانشمندان
 بدین را بوسید مستمری های بخارخانه انگلیس
 بخواب کردن افکار جماعت و اخصا مشرفان
 ملت میکارند هر چه فعل قبیح است مرکب
 از هر چه عمل صحیح است دور و بلکه اعمال صحیح
 دیگران را هم میخواهند از میان برده باشند و
 همگی این جمعیت ناساس بطن را می شناسند
 با این حال تا امروز تک محکم در مملکت تشکیل شده
 که از گذشته آنان با بررسی کنند و برای ترک
 هرزه گپهای آینده آنها بپرسی آنها ندانید.
 هر ناموری که بهر طرف روان شده و میشود
 آزاد از حقوق ملک و ملت را دشمن میفرموشد
 هر ملکی که بهر ولایتی میرود نوگری بگیاگان
 را خستیار نماید هر روزیری که بپند وزارت
 جالس میشود خود را مکلف بخدمتگداری بگیاگان

سیدند در عوض اینهمه بدکاری با تعالی رتبه نائل شوند
 بامنه این مراتب این اعیان و مستندگان و این
 غارتگران شرم وجدید که بسم هم نمیریم برای اینکه
 دچار هاجمه شویم بچنین این منورکنندگان افکار
 جماعت که بالیره های انگلیسی اوراق ضلالت خود را
 هر هفته طبع و نشر میدهند باطله این طالبان بیاد
 اجباری با برانی و عاشقان چاکری اختیاری با جا
 از مجازات معاف و بیادش غارتگری حیات
 خود از ریاست بحکومت از حکومت بوکالت
 از وکالت بوزارت مجدد و باز بمقام اوله عودت
 کرده متقل بدور تسلسل مشغول میروند رئیس و وزیر
 بر میگردد حاکم وکیل امیر
 یکی از آنها اگر بنام انانیت و ریاضت ابراهیم
 مازیس شود فوراً بعضی از ادبای شیرین زبان
 و نویسندگان با وجود آن فحش است و تهمت که
 از همین فصاحت خود سر از زیر کرده شماره کسیکه
 هدف تیرهای زهرالود قلم و زبان این خوش
 نظران شود.

البته اینها را نباید مجازات داد اینها آقا و رئیس
 و بزرگوارند حضرت اقدس حضرت اشرفند
 امیر و سردارند همه عظمت دارند همه محبتی
 بزرگی و شخص را در مدار همه محمود (وطن)
 و محبوب

ولی اتحاد سلام غارت گری است در زمانه
 جنگل فضول است جنگلی شرور تدریت که بی
 عقل نظم کیمه مجازات هم که البته صداقت بود
 بیخواب زودتر برای نزدیکی مبرک العبادت
 تخم شریف حضرت اشرفها حضرت اقدسهها بدر

محرم ما را از میان برداشته دولت فتنه انگیز
 و بلکه هر متجاوزی را ایران دلریک ... باشد
 و چارقلت انصار نمایند در امضورت باید مجازات
 ببینند و معدوم شوند.

یک سلسله بدبختی

فاد و طلاق، بی دیانتی، رذالت بطوری
 در ایران خصوصاً در پای تخت کب شدت نمود
 که بدون خجالت نمیتوان با حدی اطمینان پیدا کرد
 می بینیم در روز یکی از غم مملکت تنیده اش چاک
 چاک بود امروز با کاغذ هاییکه عوض طلا و نقره
 خودشان با اسم پول از سفارت انگلیس میگیرند
 التیام پیدا نمود.

در روز یکی وکیل ملت بود و برای حفظ حقوق
 جماعت مثل زن بچه مرده بر سر دسینه میزد
 امروز با پول قاتلین تکلیف شده اعتبارات
 و جدانی خود را زیر پا میگذارند.

در روز یکی بوسیله نطق و بیان مردم بدبخت
 را سرگردان کرده و برای جلب توجه عامه
 بر رفت مقام نایل گشته امروز برای ملاقات
 محرمانه چند دقیقه فلان سفیر یا فلان وزیر
 مست سرشار از خلوت خانه بیرون خرید
 و بیرون و در روزی با یکی فراموش میکند
 در روز یکی بواسطه انقلاب با معیت انقلاب
 رئیس الاحرار شد امروز با کمال مشرعی با جا
 خدمتگذار.

در روز هر دوا ره که با کمال امید و تری ترویج
 عدل و انصاف و حفظ حقوق بیچاره ایرانی تشکیل
 گشت امروز بیسیم یا طرفدار انگلیس با دی

مجاوزه دیگر با اقله مثل که انای سرگذرد
در آن کرده از سر آردی و لو صد و بیار باشد
با کمال بی شرفی بعنوان رشوه میگیرد.

دیروز یک اردو پالی قانونی بایک دنیا
شعب و اطمینان برای اداره کردن ادارات
بی ترتیب میاورند امروز بیسیم مزار و دزد
با اقله دستداهل شده و باسم قصاص اسمعیل
خان و حفاظت حضرت اشرف با جمعی میگیاه
راست بر سیاه حال نماید.

دیروز یکی برای آزادی آبادی ترقی ایران
نامسین روزنامه کرد امروز رفیق شفیق فلان
خان و خوانان جدی مجازات یک جمعی هشتم
بگیا، و ولی خون من السلطنه خان (در عصر)
با رواج ملتیک انگلیس شود. مثلا وزیر دار
نادر روز کمال اعتماد را همه باو داشته امروز معلوم
شد که ایشانم باید بی فیض نماند. جدا مانع است
که اخبارات و روزنامه جات بصورت شانیه تقدیم
گردد - بقیه دارد -

از مقالات وارده

ایران معارف ندارد یعنی هیچ ندارد
حالا دیگر لزومی ندارد که تلیق عبارت پرده خسته
و جملات متبجح راجع به صیف و دوجوب معارف ایراد کنیم
ما در این عصر حتی پیش خود هم دیده و فهمیده ایم که در
ترقی یک ملت و استقلال یک ملکت بسته به وجود
معارف و میزان قدرت و ضعف یک ملک و متعلقه
ترقی و تزل معارف آن ملک است.
ما هر وقت دستون بگیریم که ما میخواهیم با زبان
بگفردم نادمی هم اگر بشویم که ایران معارف ندارد

معنی این جمله این است که ایران هیچ ندارد
آری ملکتی که معارف ندارد هیچ ندارد
مانباید خود ما را کول بر نیم و ما چار باید آرد اگر کنیم معارف
نداریم و کلنه در بر معارف و ایران صورت القاب
معمولی سابق را پیدا نموده است

در ایران اشخاصیکه عمده در این مقام قلم میزنند
بدون آنکه اہمیت شغل و مقام خود را احساس کرده
باشند یک حالت لاقیدانه و دوزخ وزارت و
مسئولیت خود را طی نمیانند!

بحث ما توجیه شخصیت گفتگو در ترتیب اجراء
با معارف نداریم و میخواهیم وزیر مقتدر با کاپیتان
حاکم با عمل وکیل عالم در ایران پیدا شوند خرابیها را
ترمیم کنند ملکت را ترقی بخار ترار و رواج دهند
را رونق دهند!!!

ما معارف نداریم و میخواهیم یکدو تنی بطرز اروپائی
داشته باشیم و همه چیز داشته باشیم آیا میطلب
امکان عقلی دارد؟؟!!

ما عالیہ اشخاص عالم و قابل برای کار نداریم و
از این مدارس فعلی هم نمیتوانیم این قبیل اشخاص
را برای آئینه خود تهیه کنیم این است که هم حالا داریم
بر آئینه برای اشخاص کافی و لایق سمیه در مضیف بهترین
وزارت و حکومت در میان یک عده سرکار
صعین حالت دوری پیدا نموده اند برای تعین
صالح یک وزیر مقتدر یک حاکم عالم پس از گوش
و نظر زیاد همان اشخاص سابق را با جزئی جرح و
تعدیل باز روی کار آورده و یک فنل غیر مستغنی
انکای میباشیم (مگر خند نفر که خفا مقام خود را خیال میکنند)
ما در این قسم آفات یعنی انتخاب اشخاص برای

کار درست حال آنور چه را پیدا کرده ایم که در دیره افتاده راه فرزندارد و بعد از دو دو کجاوی بسیار ناچار خود را در یکی از نقاط منزلی اندازد مگر وقت نیاز و چرا؟

برای آنکه در ایران قحطی غالب است سابق معارف نداشته ایم در حال بزرگ برای مشاغل ملکی و معات دولتی آینه کنند و حالام نداریم ماورایند هم میدی داشته باشیم.

ما برای انخاب یکوزیر صالح و طمأنه بریدیم که نقل کنیم حتی نام و بعقل خود را صادر کنیم نقطه نام فکر و سعی ما تنسی شود بستونی الممالک شیرالده و بمرسلطه این الملک و صادر الممالک و یکی دو نفر مثل اینها

ما هم عالی و هم در آیه مشه متوجه میکنیم که برای وزارت یکفر آدم عاقل پیدا کنیم بخان میر میر فقط عقل زیاد برای وزارت کافی است و هنوز نداشته ایم که امروزه یکفر وزیر گذشته از عقل زیاد باید علم زیاد آتخته با تجارت و تهور هم داشته باشد. گان میریم که حالا دوره سلطنت سلجوقی و عهد شاه است.

در قدیم برای اداره کردن مملکت سنا و نگاه سلجوقی یکوزیر عاقل مثل میرزا ابوالقاسم نظام الملک کافی بود ولی امروزه برای اداره کردن مملکت کوچک سوئس چندین وزیر عاقل و عالم لازم است وزیر عالم را از کجا بخواهیم؟ از مدارس.

مملکت وسیع نادری بزرگ یکفر دیکتا تور با عزم احداث کردید ولی مملکت کوچک است نتیجه زحمات و خدمات چند حکومت عالم و دانشمند

ایجاد گشته است ملت دانشمند عالم در کجا پیدا شود

در مدارس در طهران و سایر شهرهای ایران یکجده مکاتب ابتدائی و قلی مدارس متوسطه یافت شوند که غالباً از طرف وزارت معارف تأسیس نشده بلکه همچا صیحه مدرس در اینها نیز مانند سایر مشاغل عادی فرغ نموده اند هر نحو که امکان داشته یکجانه و چند میرویت تهیه نموده و جمعی اطفال مرد و را با گردی پذیرفته اصول تدبیر و وضع بر گرام دروس در آن مکاتب که ما از مدارس میا میم موقوف میل سلفه خود مؤسستین است و سر یک بمقتضای نظریات و میزان کفایت خویش آنها را راه میزند.

از اینجهت از مدارس ما هم شبامتی نداشته و فقط چیز که به او شرک میان آنها است انجمن معلمین بی سود است که مؤسستین بموجب جزئیاتی از اقطاع و سر اولیا و اطفال مردم را گرم نمایند حالا وزیر معارف باید این مدرسی که بر نعمت و بکران تأسیس شده در تحت اطاعت و پر گرام خود در آورد و انجام این مقصد هم موقوف بقبول یا اقطاع مؤسستین و مدیران است.

در حقیقت نمیتوان برای وزیر معارف ایران کمین صیغ خارج تصور نمود فقط در مرکز طهران یکفر را باین اسم بی ملاحظه میکنند.

وزارت معارف تا در غالب شهرها از طرف خود شعبه و نماینده ندارد گاهی یکفر نماینده را بایک مجامع مومنه یا قلیلی میگیل میدارد و پس از یکی دو ماه یا خود او از بندت استیصال با بفرار گشته و با کاری از پیش برده و مدیران مکاتب با یک وضع

تأسف ناک او را بیرون میاندازند

این است شرح مختصری از وضع اسف در معارف و مدارس ایران که ما میخواهیم از آنها رجالی بزرگ و دورانی عالم برای آتیه مملکت خود تهیه نمایم آیا این مطلب پذیر خواهد بود؟!

در ممالکی که ایجاد مؤسسات و طرح کلیات در دولت و دولت دمجی اصول آنها هم خود دولت است تقریباً تمام مدارس دولتی است و این قبیل مکاتب که آثار مدارس ملی موسوم کرده ایم وجود ندارد تا سیس مکاتب از طرف اشخاص عادی تکلیف میشود مگر در باره مواردی که آنهم مقید بالزام شرایط دیگر گرامر باشد و در آراء دولت هم از بدل مساعدت مالی خود در باره آنها مدارس درینجه نخواهد داشت

ما عجلانته مجبور نیستیم که مضرات مدارس ملی منافع و مرخحات مدارس دولتی را مفضلاً ذکر کنیم فقط تعلیل آن مختصراً و بقیه را بوقت دیگر ملاحظه مبداییم.

اگر تمام مدارس دولتی باشند دیگر مدیران مدارس طهران مثلاً حق ندارند که برگرام دولت وارد نموده و مدیران مدارس ولایات هم نمیتوانند ماورین بروی معارف را بیرون برانند و نیز چون مدارس دولتی است دولت میتواند در مدارس خود بفرستد و اینان نموده منافع عالی و نتایج صحیح تحصیل کند و از کارخانه های آدم سازی خود در حال دیپلمه و علمای پلیتیک وانی مثل سردار و در گریها اسکوت اللوید جرجها بعلی سار و تا از روی حل سیاسی و دینیات و علمانی بکفرین تمام مملکتی مثل ایران از کیف پلیتیک و خوبین در نوع وزارت خود محسوس نموده و کلیه آراء را در شیوه وزارتخانه بنده انداخته تا بالاخره گم و نابود گردد و یک ملت محسوس با تمام

حقوق ملی و حیات قومی خود فدای حرصهای جاهلگری و تسلط امپراطوری هندوستان گردد!

باری مانند ایران نبودن عادت کرده و گوش ما میرسد از فرزنده و یا شکل قصه مانند در سلسله ما منعکس میگردد و ذکر هر یک از نواقص مملکت را اظهار نادر بار شنیده و در جراید خوانده ایم ولی برای تبیین و تصفیة آن اقدامی بعمل نیامده این است که بیان آن نواقص دیگر جز مکرر است شده و از گفتن فایده حاصل ازین جهت است خرابی روی خرابی نواقص بالای نواقص در مملکت انباشته شده است!

اگر ما گمان مبریم که شش شوا داریم بعد از آنکه مکرر بار کرده برای هزارین دفعه با او از بلند میگویم که ایران را نداریم یعنی ایران صحیح ندارد!!

وزیر معارف ما هر که باشد باید بداند که روح ترقی و سعادت ایران در دست اوست و همگانه در این مقام منیع شده است حیات و حیات ایران را در کف خود گرفته است ما مقام وزارت معارف را از این سیاحتات قابل تقدیر میدانیم زیرا که او باید شخص کاذب را از مقتدر و بالاخره آدمهای قابل برای همه کار مملکت بی سر و سامان تهیه نماید.

وزیر معارف باید برای توسعه و احکام معارف ترقی و تنظیم مدارس قومی فراتر گذشته و آنها را رسماً بنویزخانه خود تخصیص دهد

وزیر معارف باید بداند که از این مکاتب عالی ناک یک عده اشخاص بی دست و پا برای تحصیل روزی ایجاد کرده اند کاری ساخته نیست و نمیتوان آنرا معارف نامید. - استی -

جرمات - آقای سالار خاتج که از بزرگان احزاب باعده از جوانین و محترمین بودند و در دوره اول از ملاقاتش نماندگان نیستیم محرم جهت محل خود در روز مقدم این بزرگان تریبیم

اوسات

چندالی از جفائی و سهر و از کین فلک
 چند گرنی از قضای چرخ و از کید نجوم
 نیت بر بخت را دور گردون طهرم
 نیت بر بچاره کی را کید چرخ و ن لوزم
 نیک بد تاثیر اعمال بد و نیک تواند
 فی یززدن شاد باش منی را بهرین طوم
 ملک سامان گزیند بر تاسر خراب است ای ملک
 از چه در بنگاه سیر و سوسان کمر و است بوم
 دولت روس را بر برطانی غیرت بگرد
 پیش ازین با نغش و دولت این مزر بوم
 انگلیس عاجز گری پس مدنه دست رود بکله
 سوی تو مطوف دار و دعوی اعمال شود
 گر نخر و مخر بنیاد شقاوت و خوب
 از شمال شرق و غرب آید بر خوش هجوم

چسبند برند
فرونت ابدی

دولت زبان آزاد مدد و التورای دماغ بنگر و پیش
 با تفاق ششده شصت و شش ای می مجور شد
 که پس از تکمیل قوا و فکر و تمیزه مونیون اوله نمودند
 منطقی بدون درنگ آزادانه در یک فضای ستوم
 با فخر رزمهای گردن ایران و مملکت گیری
 سلاطین کیان و سلسلانیان برای مدتی
 حس مردگان بترک این کورستان بکتابت روی
 فرودس آشیان مثبت و مشکلی گرد و بجان
 انکار بان مقام رقیع .

اول انراض ایات عاشقانه و ترانه های
 عارفانه غزل سرایان شیدی معشوق موهومی را بطرف

و محو استقلال چندین ساله می و معشوق و گل
 میل را بجا طر آورده نقشه مستقرات ادبی جدیدی
 بجهت خود اتحاد نمود .
 دوم با اتحاد مثلث انگلستان متوسل سرق ظم را
 در معق دوات استوار حکم به تجزیرات یک تنگه
 مقاله بدیده داد در آن واحد یک دیویزین
 سرمازان لغات معموله با صاحب مضبان عبارات
 رفرمه مطور مطور در مرکز میدان صفحات
 بچند ستون تقسیم برای تصحیح یک مانور خصوصی
 داده نشن فرمان کارشس بحدی مطبوعه تمامه اردو
 در تحت طبع مرکزت گرفت .

چیزی گذشت تا زمان مطبوعه شیبور حاضر باش
 کشید کلنل توزیع بحالت خبر و نظر در آنقرای
 کل هجوم را تمام حکم و بران امر فرمود

عدل بجوار جراید مرکزی ازین تجزیرات و هجوم
 فوق العاده متزلزل متعقا بلاخط حرارت منافع
 شخصی و حفظ منابع اقتصادی جریان بیست مملکت
 را تغییر برای جلوگیری ازین حوادث قیام نمودند
 دولت مقدر نوپهار صرف نظر از خط معانات
 حضرت شیخ مصطفی الدین سعدی شیرازی خود بعدی
 وقت است .

برای حفظ استقلال ملک ادبی با کمال سراف
 مشغول مدافعه گردید

دول متفق (وطن و ... و ...) نه برای
 مصونیت فواید ادبی حضرت شیخ بلکه این جهت
 که مقبره اش در جنوب و جنوب در تحت نفوذ
 دولت برطانی اعظم و تکلیفت پس خوب نظم
 و مقبره فردوسی در شمال .

لذا موافق پلیک امروزه و برای خوشنودی بر
 هر یک بقدرت در مقام اعتراض برآید عرض اند
 نمود و مهدی پرست شدند .
 سعدی وقت هم بداند که اتفاق آنها صمیمی نیست
 مقلدین دولت بریطانی بروش بی حقیقی آوستی
 میانند .

مجانا که ملاحظه است نهادیم که این فروت
 نسبت باول جنگ قدسی سکونت اختیار کرده .
 اگر دو دفعه این محاربه شروع نشود بلا شبهه حاجی
 نوبت خواهد بود ما هم برای اصلاح میگوئیم ایران
 با اوضاع حاضره و حال اختصار طاقت جنگ
 ادبی و رسیدن آن هم خارج از تراکت را ندارد

کوله نار انارلس ساوه
 پس از قطع رابطه باطنیه رابطه ظاهری با
 غلط بود و این اقدام خوشوقت شدیم (دو محبت
 متضاد در یک جامع نمیشود) جنبش بی بی و نصرت

اعلان

بمبوم ایالات و ولایات هر گاه اربابان کمال
 و صاحبان فرهنگ در کتابهای لغت یک کلمه
 پیدا کردند که بجای (نازه) استعمال کنیم بشرطیکه
 معنی (نوا) را ندیده مار را در این منت خواهند فرمود
 اختیار خواهیم گرفت

آقای مقصود سلطان در کلان و سلم خیابان
 روزنامه فروشی را تهیه میکنند که چاره در نامه جنگل را
 میفروشی بعضی سبب است سوال میکنند میفرمانند
 اختیار طبع نشر میگرد ولی جریده فارس آزاد است
 ما هم اختیار خواهیم گرفت در صورتیکه در احوال جنگل
 گیلان منصوب شود .

قوام السلطنه و حکومت کلان
 بجهت عصبانی نشدن فقط یکفر در صورتیکه غول چهار
 سردار نصرت بمرکز و نصب آقای قوام السلطنه صورت
 پذیرد ما چاریم بگوئیم در این جا وجود ناقص
 از عدم صرف است
 آیا شمت الله دوله ضرر داشت ؟

رفع چشم زخم

بنشین دولت بریطانی چون تکیس پلین خوب را
 در یک نقطه ملاحظه نمودند دیدند مثل توجیه عمومی
 شده برودیک است از حضرت افسوس دیگران
 چشم زخمی با آنان برسد تفرقه آنان را اصلاح دانست
 تقسیم نمودند در تمام نقاط ایران منقسم شوند
 رستان ، همدان ، برود ، بیرجند ، قلات
 نیتان و غیره .

کو یا مقداری را هم در جنگل شمال خیال دارند
 مخفی نمایند .

رفع اشتباه

زیرا استوکس انگلیسی که با آنرو پلان نظامی از
 فضای لندن بهوشی ایران طیران فرموده مقصودشان
 رفتن بهوش و دعای باران بجهت بسیاری نرزه
 های جنگ لیدن بوده هم بواسطه ایشان بی پای
 تحت ایران موفقی و غیر رسمی است اگر باران
 نرسد دو دفعه برای استجابت دعا طیران خواهند
 نمود
 بزناداران سیاست مملکت مشتبه نگردد .

محل فروش - رشت - رسد ها و بندها مخافه
 میز ایفروز نخبانی - مطبعه کتیا -